یادکردی از سردار شهید علی خدادی از یادگاران دفاع مقدس در اولین سالگرد شهادتش در مهر ۱۳۹۹

هیچ کس از زخم‌های رفیق حاج‌قاسم خبر نداشت!

■ علیرضا محمدی

قصه بچه‌های انقلاب پر از قهرمان‌هایی است که در میدان مبارزه رشد کردند، مرد شدند، مو سفید کردند و عاقبت در همین مسیر جان دادند و آسمانی شدند. سوم مهر ۱۳۹۹ که خبر رسید سردار علی (حمید) خدادی به یاران شهیدش پیوسته است، داستان قهرمان‌های جنگ یک‌بار دیگر در ذهنمان تداعی شد. حاج‌علی که متولد ۴۳ در گرگان بود، از نوجوانی قدم به میدان مبارزه گذاشت و بیش از ۴۲ سال از عمرش را وقف خدمت به کشور و انقلاب کرد. در پرونده جهادی او از حضور در کردستان گرفته تا شرکت در جبهه‌های جنگ و همراهی با سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی و... آن قدر شجاعت و رشادت می‌بینیم که مشخص نیست چرا با وجود این همه خدمات خالصانه، نام حاج‌علی برای نسل جوان ناشناخته است. یادکردی از سردار شهید علی خدادی را در اولین سالگرد آسمانی شدنش پیش‌رو دارید.

■ **طعم یتیمی**

۲۴ مرداد ۱۳۴۳ بود که علی خدادی در یک خانواده مذهبی در شهر گرگان به دنیا آمد. پدرش علی اکبر خدادی هنوز جوان بود که سال ۱۳۴۷ مرحوم شد. علی چهار ساله خیلی زود طعم یتیمی را چشید. حالا مادر مانده بود و چهار بچه قد و نیم قدی که باید دست تنها بزرگشان می‌کرد. مادر با یادآوری آن روزها می‌گوید: «در نبود همسرم، علی خیلی وابسته به من بود. از کودکی‌اش درسخوان و مودب بود. کنار خانه ما مسجدی بود که پسرم آنجا مکبری می‌کرد. همیشه نمازش را سر وقت می‌خواند و روزه‌هایش را مرتب می‌گرفت. در مدرسه هم بچه زرنگی بود و همه نمراتش ۲۰ بود. دبستان، راهنمایی و دبیرستان بهترین نمرات را می‌گرفت. تشویقش می‌کردم و می‌گفتم تو حتماً در زندگی‌ات آدم موفق می‌شوی. حواسم به درس‌هایش بود و علی خودش هم علاقه زیادی به ادامه تحصیل داشت.»

■ **رزمنده نوجوان**

انقلاب مسیر زندگی خیلی از بچه‌های نسل اولی را تغییر داد. آن روزها همه جای ایران نوجوان‌هایی را می‌دیدی که قدشان به اندازه اسلحه‌هایی که در دست داشتند نمی‌رسید، اما وقتی قدم به میدان رزم می‌گذاشتند، دشمنی نبود که بتواند مقابل ایمانشان قد علم کند. علی ۱۵ ساله یکی از همین رزمنده‌های نوجوان بود. مادر شهید می‌گوید: «پسرم کلاس یازدهم دبیرستان بود که با بسیج و سپاه همکاری می‌کرد. یادم است یک ماه رمضان با دهان روزه مرتب به بندر ترکمن می‌رفت و بر می‌گشت. می‌دانستم که برای کشور و انقلاب تلاش می‌کند و مانعش نمی‌شدم. خودش هم از کارهایی که می‌کرد حرفی نمی‌زد. هیچ وقت نفهمیدیم چه کار می‌کند و در سپاه چه کاره است.»

مثل خیلی از رزمنده‌های اوایل انقلاب که ورود به میدان رزم را از غائله کردستان شروع می‌کردند، علی خدادی هم عازم آذربایجان غربی شد و در قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) خدمت کرد. حضور در کردستان پیش زمینه‌ای بود برای ورود به میدان بزرگ‌تری به نام دفاع مقدس که شهید خدادی از ابتدا وارد آن شد و تاانتهای دفاع مقدس حدود ۸۰ ماه از عمرش را وقف جبهه و جهاد کرد.

■ **۵ بار مجروحیت**

شهید خدادی در طول دوران حضورش در جبهه‌های جنگ از کردستان گرفته تا جنوبی‌ترین نقاط خوزستان، پنج بار طعم مجروحیت را چشید. در همان دوران جنگ با سرلشکر محمد باقری آشنا شد و معاون اجرایی عملیات قرارگاه خاتم الانبیا با مسئولیت سردار باقری را برعهده گرفت. همراهی با سردار باقری و انجام کارهای اطلاعاتی، باعث شده بود حتی نزدیک‌ترین اشخاص به او نیز از چند و چون فعالیت‌هایش اطلاعی نداشته باشند. سال‌ها گذشت تا مشخص شد حاج‌علی خدادی طی دو مرحله حضور در جبهه به عنوان بسیجی و سپس حضور به عنوان یک نیروی کادر، در بیشتر عملیات‌های دفاع مقدس شرکت داشته باشد و بارها تا پای شهادت پیش برود. وی در عملیات رمضان، بیت‌المقدس، والفجر ۴ و والفجر ۸ و کربلای ۵ به افتخار جانبازی نائل شد و از نواحی ساعد دست چپ، پای راست، سر و کمر مجروحیت داشت. همچنین در عملیات والفجر ۸ ریه‌اش به شدت شیمیایی شده بود.

■ **رفیق حاج‌قاسم**

پس از پایان دفاع مقدس شهید خدادی ابتدا به ستاد کل نیروهای مسلح رفت و سال ۱۳۷۰ به درجه سرتیپ دومی رسید. با آمدن سردار سلیمانی به نیروی قدس سپاه، او نیز به این نیرو رفت و بیش از یک دهه مشاور و رئیس دفتر سردار سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی در سپاه قدس بود. یکی از همرزمان سردار خدادی در این خصوص می‌گوید: «همرزمی با حاج‌قاسم باعث حسن خلق بیش از پیش حاج‌علی شده بود. همیشه لبخند بر لب داشت و به رغم مشکلات جسمی‌اش (که کمتر کسی از آن خبر داشت) هیچ وقت او را ناراحت و گرفته نمی‌دیدیم. خوش خلقی و خنده‌رویی، از خصوصیات بارز حاج‌علی بود. مثل حاج‌قاسم خودش را وقف نظام کرده بود و همیشه به احوالات و معیشت همکارانش توجه زیادی داشت.»

«رفیق حاج‌قاسم» صفتی است که بسیاری از همرزمان شهید خدادی او را با آن یاد می‌کنند. خود حاج‌علی نیز به این دوستی افتخار می‌کرد و در آن سو، حاج‌قاسم سلیمانی هم علاقه بسیاری به حاج‌علی داشت. برادر شهید در این خصوص می‌گوید: «حمید علاقه و بهتر بگویم اعتقاد زیادی به حاج‌قاسم داشت. این علاقه دو طرفه بود. یادم است یک‌بار که می‌خواستم بروم پیش حاج‌قاسم، ایشان گفت حتماً حمید را هم با خودت بیاور دلم برایش تنگ شده است.» در ۱۰ سالی که حاج‌علی پیش حاج‌قاسم بود، بسیاری از اوقات به مأموریت می‌رفت و کمتر در خانه پیدایش می‌شد. مادر شهید می‌گوید: «پسرم یک‌سال و نیم لبنان بود. خیلی وقت‌ها از او بی‌خبر بودم. فقط می‌شنیدم که یا لبنان است یا سوریه. یک روز ناغافل دیدم به من سر زد. امید نداشتم که به این زودی‌ها او را ببینم. گاهی فکر می‌کردم که شاید اصلاً برنگردد.»

■ **جهاد در گمنامی**

یک عمر جهاد و خدمت سردار علی خدادی باعث شده بود تا فرماندهان سپاه شناخت خوبی نسبت به عملکرد و توانایی‌های او داشته باشند. لذا پس از شهادت سردار حسن طهرانی مقدم، از شهید خدادی خواسته شد به عنوان معاون بازرسی و ایمنی به هوافضای سپاه برود. کمی بعد بنا به تشخیص فرمانده کل سپاه به عنوان معاون ایمنی و اقدامات تأمینی سپاه تا زمان شهادتش به فعالیت پرداخت. سردار سلامی فرمانده سپاه در این خصوص می‌گوید: «ایشان مسئولیت ایمنی سپاه را برعهده داشت و شبانه‌روز تلاش می‌کرد تا حوادث و رویدادهایی که منجر به صدمه می‌شود تا حدالامکان پایین بیاید و مشکلی برای کسی پیش نیاید.»

فعالیت سردار خدادی به عنوان معاون ایمنی سپاه به قدری موفق بود که وی سعی داشت اقدامات این معاونت را به حوزه رانندگی و حوادث جاده‌ای سپاه نیز تسری بدهد اما مانند تمامی فعالیت‌هایی که در دوران دفاع مقدس و حضور در نیروی قدس انجام داده بود، فعالیت شهید در این مسئولیت نیز در نهایت گمنامی صورت می‌گرفت. به قول یکی از همرزمانش: «حاج‌علی دوست نداشت هیچ وقت آشکارا از او حرفی زده شود. به عنوان معاون ایمنی سپاه جلوی خیلی از حوادث را گرفت. اما همه اینها در عین گمنامی انجام شد و هیچ وقت نخواست نامی از او برده شود.»

■ **دردهای پنهان**

نکته عجیب در زندگی جهادی شهید خدادی، مخفی نگه داشتن زخم‌ها و دردهایی بود که از زمان دفاع مقدس بر دوش می‌کشید. او نه تنها از مسئولیت‌ها و خدماتی که انجام می‌داد، حرفی نمی‌زد، بلکه مشکلات جسمانی ناشی از مجروحیت‌های متعددش را حتی از نزدیکانش مخفی نگه داشته بود. برادر شهید می‌گوید: «حاج‌حمید درد و رنج جراحت‌هایش را بدون اطلاع به کسی تحمل می‌کرد. حتی به من هم که تنها برادرش بودم اطلاع نداد. این انتخاب او بود و اصرار من هم فایده نداشت؛ شاید علت اینکه همه مقامات ارشد نظامی (سرلشکر صفوی، باقری، رشید، شمخانی، سلامی و...) در شهادت او پیام دادند همین بود که اگر دیگران شناختی از او نداشتند آنها که در جنگ و جهاد همراه او بودند وی را می‌شناختند و واقعیت این است که هیچ کدام از پیام‌ها اداری نبود، بلکه بیان احساس نسبت به حمید بود.» بیماری شهید خدادی آنقدر گسترده بود که طبق گفته‌های همسرش هر سال در همان ایامی که به شهادت رسید، عوارض شیمیایی‌اش عود می‌کرد و حالش وخیم می‌شد. اما غالباً کمتر کسی از این مسائل و مشکلات مطلع می‌شد.

بیش از ۸۰ ماه حضور در مناطق عملیاتی و سپس کشیدن بار مجروحیت‌ها، مشغله‌ها و مسئولیت‌های متعددی که شهید حاج‌علی خدادی داشت، باعث شد تا مدت‌ها به زندگی شخصی خودش فکر نکند و تنها در دهه ۷۰ فرصت و مجال تشکیل زندگی مشترک را پیدا کند. او سوم مهر ۱۳۹۹ در ایام بزرگداشت هفته دفاع مقدس، مقارن با ماه صفر و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در حالی پس از تحمل یک دوره بیماری ناشی از مجروحیت شیمیایی آسمانی شد که یک دختر ۱۰ ساله به نام فاطمه داشت. بعد از شهادت حاج‌علی بسیاری از رسانه‌ها تیتر زدند: «همرزم حاج‌قاسم دوری مقتدایش را تاب نیاورد.»

> «رفیق حاج قاسم» صفتی است که بسیاری از همرزمان شهید خدادی او را با آن یاد می‌کنند. خود حاج علی نیز به این دوستی و حضور ۱۰ساله کنار سردار، افتخار می‌کرد. در آن سو، حاج قاسم سلیمانی نیز علاقه بسیاری به حاج علی داشت

> نکته عجیب در زندگی جهادی شهید خدادی، مخفی نگه داشتن زخم‌ها و دردهایی بود که از زمان دفاع مقدس بر دوش می‌کشید. او نه تنها از مسئولیت‌ها و خدماتی که انجام می‌داد، حرفی نمی‌زد، بلکه مشکلات جسمانی ناشی از مجروحیت‌های متعددش را حتی از نزدیکانش مخفی نگه داشته بود

یادکرد

شهید غیور اصلی نفر سمت چپ شهید بهشتی

شهید علی غیور اصلی طراح اولین عملیات موفق دفاع مقدس

غریو غیور تانک‌های دشمن را فراری داد

■ زهرا محمدزاده

در اولین روزهای مهر ۱۳۵۹ در حالی که تعدادی از واحدهای زرهی عراق پس از اشغال و گذشتن از سوسنگرد خود را به شمال اهواز رسانده بودند، حضرت امام پیام قاطعی را صادر کردند و از جوانان اهوازی خواستند دشمن را از دروازه‌های شهر خود عقب برانند. در این زمان بود که شهید علی غیور اصلی، عملیاتی را طراحی کرد و به اجرا گذاشت که باعث فرار تانک‌های دشمن از شمال اهواز و نهایتاً به آزادسازی سوسنگرد و فرار دشمن تا تنگه چزابه منجر شد. روز بعد از آن یعنی در ۱۱ مهر (به قولی در نهم مهر) غیور اصلی هنگام بازگشت از عملیات به شهادت رسید. یادکرد این سردار رشید جبهه‌های دفاع مقدس را پیش‌رو دارید.

■ **متولد مشهد**

برخلاف آنچه برخی دوستداران دفاع مقدس تصور می‌کنند، علی غیور اصلی خوزستانی نبود. چون در اواخر عمر پربرکتش به عنوان یک ارتشی در خوزستان خدمت می‌کرد، بلافاصله پس از شروع جنگ از همین استان وارد میادین جنگ شد و از همین رو برخی تصور می‌کنند او خوزستانی بوده است. به هر روی علی غیور اصلی در یک خانواده کم بضاعت در مشهد متولد شد. چون ذاتاً کودکی پرانرژی و پر جنب و جوش بود، انواع رشته‌های ورزشی خصوصاً فوتبال را دنبال کرد و عاقبت برای اینکه بتواند شغلی متناسب با چابکی و قوای جسمانی‌اش بیابد، راهی تهران شد و در تیپ ویژه هوابرد ارتش استخدام شد.

■ **دوره‌های رزمی**

یکی از مسائلی که باعث شد غیور اصلی خود را فراتر از یک نیروی تکاور مطرح کند، توجه او به تکمیل آموزش‌های کماندویی بود. وی پس از طی دوره‌های متعدد نظامی در داخل کشور، برای تکمیل تجربیات نظامی به چند کشور خارجی نظیر آلمان، ایتالیا، مصر و اردن فرستاده شد و علاوه بر آشنایی هر چه بیشتر با مسائل و تاکتیک‌های نظامی این فرصت را یافت تا فرهنگ‌های مختلف را از نزدیک مشاهده کند. علی پس از فراغت از آموزش‌های نظامی در ۱۳۵۲ ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند به نام‌های شادی متولد ۱۳۵۴ و محمدعلی متولد سال ۵۹ بود.

■ **ارتشی انقلابی**

آشنایی شهید غیور اصلی با اندیشه‌های انقلابی حضرت امام و خصوصاً مطالعه آثار شهید مطهری، باعث شد او را به خوزستان و لشکر ۹۲ زرهی بفرستند تا با دوری از مرکز (تهران) روحیات انقلابی علی تحت کنترل درآید. اما او در آنجا نیز دست از فعالیت برنداشت و نهایتاً مشخص شد غیور اصلی ذیل یک گروه انقلابی قصد داشتند شاه را طی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله ترور کنند. با وجود ارتشی بودن غیور اصلی، این موضوع برای وی گران تمام شد و حتی حکم اعدامش صادر شد. اما با پیروزی انقلاب، غیور اصلی در کنار دیگر زندانیان سیاسی آزاد شد.

■ **عضویت در سپاه**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهید غیور اصلی که احساس می‌کرد حضورش در سپاه می‌تواند باعث خدمت مؤثرتر او به کشور و انقلاب شود، به این نهاد انقلابی پیوست و فرماندهی آموزش نظامی استان را برعهده گرفت. کمی بعد نیز با حفظ سمت، فرماندهی عملیات سپاه اهواز به او واگذار شد.

پس از تجاوز دشمن به ایران در آخرین روز شهریور ۱۳۵۹، به دلیل عدم آمادگی نیروهای نظامی کشورمان تانک‌های عراقی خیلی زود خود را به شمال اهواز رساندند. وی در کنار دیگر همرزمانش شبیخونی را طراحی کرد که باعث شد نیروهای خودی با کمترین جلب توجه، خود را به ۱۰ متری تانک‌های دشمن برسانند و در یک عملیات کاملاً غافلگیرکننده، تانک‌های عراقی را آنچنان به وحشت بیندازند که حدود ۹۰ کیلومتر عقب‌نشینی کنند، اما روز بعد وی در حالی که قصد بازگشت از منطقه عملیاتی را داشت، در یک سانحه خودروی حاملش به یک تراکتور برخورد کرد و به شهادت رسید.

> علی غیور اصلی ذیل یک گروه انقلابی قصد داشتند شاه را طی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله ترور کنند. با وجود ارتشی بودن غیور اصلی، دادگاه حکم اعدامش را صادر کرد اما پیروزی انقلاب مانع اجرای این حکم شد

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۱۵

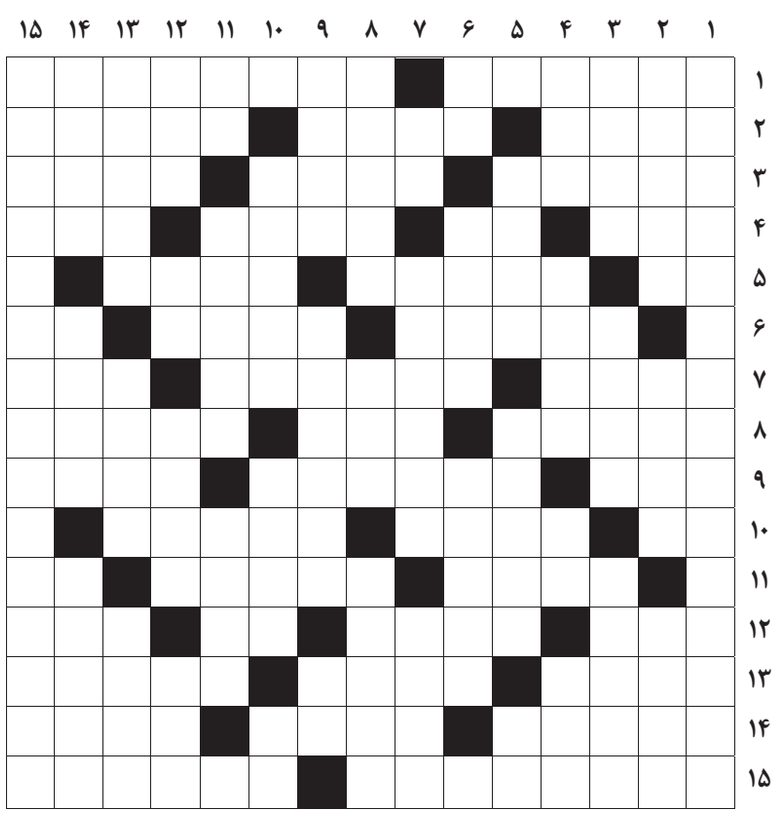

از راست به چپ

■ ۱-نام قدیم اصفهان – کشور چای ■ ۲-مصون – کشوری در حاشیه خلیج فارس – فیلم کوتاه تبلیغی ■ ۳-صدمه و آسیب رساندن – پوسیده – حروفچینی کامپیوتری ■ ۴-تولیدی از عنکبوت – رودی در چین – اکنون – نوبت بازی ■ ۵-پول ژاپنی – از نام‌های خدا – مجلس قانونگذاری روسیه ■ ۶-ناخوش احوال – ستبر – گوشت آذری ■ ۷-رستنی – چهره حماسی مردم هند- رنگ دریا ■ ۸-شهری در بلغارستان – حمام یک نفره – لقب رستم ■ ۹-بسیار – درختی با شکوفه‌های معطر – طوقه فولادی چرخ خودرو ■ ۱۰-چهار من تبریزی – گدایی – شاخه تازه روییده ■ ۱۱-گردن آویز قهرمان – تنبیه اداری – چه وقت ■ ۱۲-پدر آذری – علم تکنولوژی جدید – یک و یک- واحد شمارش احشام ■ ۱۳-نشان تجاری – حاجت – شیخ مرتضی انصاری ■ ۱۴-مهد المپیک – واحد مقیاس طول در انگلیس – بهشت ■ ۱۵-دره‌ای که حضرت موسی در آنجا تجلی الهی را که به صورت آتشی در درختی جلوه‌گر شد مشاهده کرد - طلای سفید

از بالا به پایین

■ ۱-ورزشگاه تیم رئال مادرید ■ ۲-تیر و خدنگ – بنفش بسیار روشن – شهر هلن ■ ۳-سرشماری – شهری در ایتالیا – همتا ■ ۴-گوارا – وطن – عدد رمزی – چینه دیوار ■ ۵-خیال – جمع بدن – بوی رطوبت ■ ۶-چانه گیلانی – هوس باردار – مار آذری ■ ۷-کنار و پهلو – رفت و آمد خانوادگی – غلاف شمشیر ■ ۸-از مصالح ساختمانی – مادر وطن – نویسنده شاهزاده و گدا ■ ۹-حشره گزنده – محصل دانشگاه – شریک مرد ■ ۱۰-زبان اصلی هر فرد- کشور کاسه شکر – از جناح‌های سیاسی ■ ۱۱-حرف نفی عرب – داماد – روزها ■ ۱۲-ضمیر عربی – شیره انگور – کارآگاه به دنبال آن است- اغما ■ ۱۳-ایالتی در امریکا – آینده – پرچم ■ ۱۴-کشور نایروبی – ماه پاییزی – از گیاهان دارویی که در تقویت هاضمه مفید است ■ ۱۵-تیم فوتبالی معتبر در پرتغال

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۴						۲	۳	
۷				۹	۶			
۵		۳		۲				
						۹	۲	۱
			۵					
۳		۲	۹				۸	
					۴			
	۷				۱			
	۴					۶		۸

۷	۱	۶	۹	۴	۸	۵	۲	۳
۴	۹	۲	۱	۵	۳	۷	۸	۶
۳	۵	۸	۲	۶	۷	۹	۱	۴
۲	۷	۵	۸	۱	۹	۳	۶	۴
۶	۸	۴	۳	۷	۵	۲	۱	۹
۱	۳	۹	۴	۶	۲	۸	۵	۷
۸	۶	۱	۷	۳	۲	۴	۹	۵
۵	۲	۷	۶	۹	۴	۱	۳	۸
۹	۴	۳	۵	۸	۱	۶	۷	۲

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۳۱۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	و	ل	ا	ن	ب	ا	ت	و	ر	■	غ	ب	ط	هـ
۲	س	ی	ا	س	ت	■	ب	ر	ن	ی	ا	ن	■	ب	و
۳	ت	ا	ر	ت	■	د	هـ	ل	ی	■	و	ی	و	ل	ا
۴	و	ل	ت	م	ت	ر	■	ا	ز	گ	ل	■	ا	ت	ر
۵	ا	ی	■	ر	ا	د	ا	ن	■	و	ی	ش	ن	و	■
۶	ر	■	ب	ا	ل	ا	ن	■	هـ	ی	ا	م	■	خ	ا
۷	ن	د	ا	ر	ی	■	ت	ق	و	ا	■	س	م	ا	ع
۸	ا	ر	ل	■	ا	ص	ف	هـ	ا	ن	ک	■	ا	ل	ت
۹	م	ا	ت	م	■	ی	ا	ر	ن	■	ت	ا	د	ی	ب
۱۰	هـ	ز	■	د	ف	ا	ع	■	ا	ق	ا	ی	ی	■	ا
۱۱	■	ی	ز	د	ا	ن	■	ف	و	ر	ی	ت	■	ب	ر
۱۲	ا	ز	ن	■	م	ت	ر	و	■	ا	ب	ا	د	ا	ن
۱۳	خ	ب	ا	ز	ی	■	و	ل	ت	ر	■	ل	ی	د	ا
۱۴	م	ا	■	ا	ل	ب	ی	ا	ن	■	ب	ی	ن	ا	م
۱۵	و	ن	گ	ر	■	ث	ا	م	ن	ا	ل	ا	ی	م	هـ